

کوتاه از دیپلماسی

دروند آزادسازی منابع ایران در عراق تغییری ایجاد نشده

● ایسنا: عضو هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق می‌گوید با وجود آنکه در مذاکرات دو طرف، بارها بر سر آزادی منابع ایران در عراق جمع‌بندی شده اما در عمل تغییری به وجود نیامده است.
روز گذشته خبری به نقل از رئیس سازمان توسعه تجارت منتشر شد که نشان می‌داد ظرفیتی جدید برای استفاده از منابع ارزی در بانک TBI عراق به وجود آمده تا برای واردات اقلام مورد نیاز کشور صرف شود. در این نامه تأکید شده بود که واردات باید بر اساس اولویت‌های کالایی کشور و عدم درج کالاهای تحریمی در این فهرست برنامه‌ریزی شود. در همین رابطه سیدحمید حسینی، عضو هیئت‌مدیره اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق، با بیان اینکه این موضوع خبر جدیدی نیست، به ایسنا توضیح داد: از چند ماه قبل بحث استفاده از منابع ایران در بانک TBI عراق مطرح شده بود و حتی بخشی از سهمیه واکسن ایران در کوکس نیز از این طریق نهایی و واکسن به کشور وارد شد، اما در عمل برای استفاده گسترده‌تر از این منابع مشکلاتی وجود دارد. او با اشاره به برخی هماهنگی‌های انجام‌شده میان عراق و آمریکا برای پرداخت پول ایران از این طریق بیان کرد: با وجود آنکه این مجوز صادر شده که از طریق این منابع اقلامی مانند مواد غذایی و دارو به ایران وارد شود، اما با توجه به دشواری‌هایی که در مسیر اجرا وجود دارد، یا کاری صورت نگرفته یا روند بسیار کند بوده است. این فعال اقتصادی درباره مکانیسم اجرایی استفاده از این منابع بیان کرد: در این چارچوب باید تاجر ایرانی به نام تاجر عراقی مدارک را ثبت کند، تاجر عراقی کالاهای مورد نیاز را خریداری کند و پس از نهایی‌شدن معامله پول خود را از منابع بانک عراقی بگیرد. روز گذشته وزارت صنعت، معدن و تجارت با ارسال نامه‌ای به همه انجمن‌های صنایع غذایی، دارویی و بهداشتی با اشاره به ظرفیت‌های ایجادشده برای استفاده از منابع ارزی ایران در بانک TBI عراق از آنها خواست اقلام پیشنهادی وارداتی خود را با قید فوریت اعلام کنند.

نامه ایران به ISDS برای آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده در کره جنوبی

● ایسنا: یک رسانه کره‌ای گزارش داد بانک مرکزی ایران در نامه‌ای خطاب به مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری، خواستار بازگردانده‌شدن دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در بانک‌های کره‌جنوبی شده است. به گزارش شبکه کی‌بی‌اس ورلد، بانک مرکزی ایران چندی پیش نامه‌ای به مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ISDS) ارسال کرده و در آن از سنول خواسته است دارایی‌های مسدودشده ایران در حساب‌های بانکی کره‌جنوبی را آزاد کند.
یک مقام وزارت امور خارجه کره‌جنوبی گفت سنول در ماه سپتامبر این نامه را دریافت کرده است و همچنین مدعی شد کشورش قصد دارد موضوع دارایی‌های مسدودشده ایران تحت تحریم‌های آمریکا را حل‌وفصل کند.
خبرگزاری یونهاپ کره‌جنوبی به نقل از یک منبع آگاه گزارش داد این کشور و ایران قصد دارند ماه آینده در سنول رایزنی‌هایی در سطح کاری برای بحث درباره راه‌های آزادسازی اموال توقیف‌شده ایران انجام دهند. بنا بر این گزارش، در صورتی‌که دو کشور طی شش ماه پس از قبول این نامه هیچ راه‌حلی برای رفع این مناقشه از طریق مذاکرات پیدا نکنند، ایران احتمالا به مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری شکایت خواهد کرد.



کوروش احمدی دیپلمات باز نشستہ

تعلیق مذاکرات وین و بازگشت هیئت‌ها به پایتخت‌ها به‌منظور مشورت و کسب دستور نشانه دیگری است که حکایت از رسیدن مذاکرات به مرحله دشوار تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارد. انریکه مورا، هماهنگ‌کننده اروپایی، ضمن اعلام وقفه یک‌هفته‌ای نوشت: «تصمیمات سیاسی اکنون ضروری است». در بیانیه سه کشور اروپایی نیز از اینکه «همه می‌دانند به مرحله نهایی رسیده‌ایم که لازمه آن اتخاذ یک تصمیم سیاسی است»، سخن رفته و «مرحله نهایی» و «تصمیمات سیاسی در مورد دشوارترین موضوعات» از کلیدواژه‌های اصلی مقامات آمریکایی است. اولیانوف، نماینده روسیه نیز از رسیدن مذاکرات به «مرحله پیشرفته و نیاز به تصمیمات سیاسی» سخن گفته است. این نشانه‌ها حاکی از آن است که کار مذاکره راجع به موارد اختلافی در هر سه متن مورد بحث در حد اشباع انجام شده و کار به مرحله پذیرش و موفقیت مذاکرات با عدم پذیرش و فروپاشی مذاکرات یا تمرکز بر یک «توافق موقت» رسیده است. صرف‌نظر از اینکه آیا ضرب‌الاجلی (تا اواسط فوریه) از جانب غرب وجود دارد یا خیر، مسئله این است که به هر حال منطق موضوعات، صرف وقت بیشتری را ایجاب نمی‌کند.

اگرچه در هر سه حوزه، یعنی برداشتن تحریم‌ها، محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران و ترتیب و توالی انجام اقدامات، پیشرفت‌های خوبی حاصل شده، اما برخی نکات اساسی و محوری باقی است. درحالی‌که ظاهراً در حوزه اول و دوم همچنان نوع تحریم‌هایی که باید برداشته شود و سرنوشت ساترفیوژ‌های پیشرفته مهم‌ترین مسائل لاینحل است، ترتیب و توالی اقداماتی که ظرف چند ماه آینده ایران و آمریکا باید انجام

دیپلماسی

برجام در مر حله نهایی

دهند، مسئله مهم دیگری است. با توجه به اینکه آمریکا از توافق خارج شد و انتظار منطقی دایر بر برداشتن نخستین گام توسط آمریکا در برداشتن تحریم‌هاست، کیفیت راستی‌آزمایی مورد نظر ایران عامل مهمی خواهد بود. در این رابطه، ممکن است با تفسیر مضیقی که از راستی‌آزمایی به عمل آمده، ازجمله در مصاحبه آقای امیرعبداللهیان با الجزیره، کار آسان‌تر شده باشد. به این شکل که با بارگیری یک محموله نفتی و فروش آن و واریز وجه مربوطه به سیستم بانکی ایران کار انجام‌شده تلقی شود.
باین‌حال همین اقدام ساده نیز مستلزم برداشتن طیف وسیعی از تحریم‌های اجرایی و تقنینی توسط آمریکاست و اینکه کدام طرف در کدام مرحله چه اقدامی را باید انجام دهد، پیچیدگی خاص خود را خواهد داشت. درحالی‌که محتمل است راستی‌آزمایی با این تفسیر مضیق در حال حل‌شدن باشد، اما هنوز نشانه‌ای از اینکه مسئله «ضمانت» هم در حال حل‌شدن است یا خیر وجود ندارد؛ هرچند امکان احیای سریع برنامه هسته‌ای ایران در صورت خروج مجدد آمریکا از برجام می‌تواند بهترین تضمین باشد.

یکی از مشکلات اصلی ظاهرا بازگشت ایران به ۵۰۶۰ و ۱۰۴۰ ساترفیوژ IR-۱ در نظنن و فردو مطابق برجام ۹۴ و نحوه حذف ساترفیوژ‌های مازاد و بسیار پیشرفته‌تر است؛ واینکه آیا این ساترفیوژ‌های پیشرفته در ایران تحت نظارت آژانس مهروموم شوند یا به خارج ارسال شوند یا معدوم شوند. ظاهرا طرف غربی ماندن آنها در ایران را نمی‌پذیرد و ایران با معدوم‌شدن آنها سخت مخالف است. همچنین، پیرو توافقی که در سال ۹۴ راجع به بستن پرونده «ایجاد احتمالی نظامی» حاصل شد و ادعای جدید آژانس در مورد فعالیت در چهار سایت اعلام‌نشده که در پی قضیه اسناد شوراباد مطرح شد، گویا هیئت ایرانی بحثی را نیز درباره مختومه‌اعلام‌کردن هرگونه تحقیقات توسط آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران در گذشته و تعهد به عدم بازگشایی این پرونده‌ها در آینده در دستور کار قرار داده است. در چنین شرایطی، محتمل است که پیشنهاد «توافق موقت» که

مذاکره‌کنندگان برای مشورت درباره «تصمیم سیاسی» به پایتخت‌ها برگشتند

آخرین وقفه وین؟



عصرین

مرحله نهایی خود قرار گرفته است. این هم‌زمان با این حقیقت است که ماه ژانویه به پایان خود رسیده و در آستانه ورود به ماه فوریه هستیم؛ یعنی حوالی همان زمانی که طرف‌های غربی مذاکرات، به‌خصوص ایالات متحده حدوداً آن را سقف زمانی ادامه مذاکرات در مرحله فعلی عنوان کرده بودند. با گذشتن کاربست این کلیدواژه‌ها در کنار تأکیدات مکرر طرف‌های غربی مذاکرات برجام روی این فرصت محدود، می‌توان نتیجه گرفت که اتفاق اصلی بناست در بازگشت دوباره مذاکره‌کنندگان به وین رخ بدهد. به عبارتی به نظر می‌رسد در نقطه فعلی، محدوده آنچه هر کدام از بازیگران برجام حاضر هستند بپذیرند، مشخص شده است و حالا باید تصمیم گرفته شود که آیا پایتخت‌ها چنین مشخص‌شده در وین را برای امتیازاتی که تبادل خواهد شد و اقدامات متقابلی که انجام خواهد شد، خواهند پذیرفت یا نه و اگر پاسخ منفی باشد، احتمالاً مسیر مذاکرات به پایان خواهد رسید.

تنفس تا تصمیم

شاید به همین خاطر است که این بار وقتی بازگشت هیئت‌ها برای مشورت به پایتخت‌ها اعلام شد، خبری از اعلام بازه زمانی دقیق این وقفه و

توسط روسیه یا از طریق روسیه ارائه شده، همچنان بتواند گزینه جایگزین در صورت بن‌بست در اتخاذ تصمیمات سیاسی باشد. درحالی‌که رئوس پیشنهاد روسیه روشن است، اما در صورت اقبال به آن تعیین جزئیات مربوطه می‌تواند در پذیرش یا رد آن از سوی طرفین تعیین‌کننده باشد. در این رابطه و به‌ویژه در رابطه با زندانیان غربی در ایران و زندانیان ایرانی در غرب، تحرکات اخیر نیز درخور توجه است. برخی تحرکات اخیر قطری‌ها را در این رابطه دانسته‌اند؛ اما درحالی‌که ایران اکنون در حال تماس با آمریکا، از طریق تبادل یادداشت در وین و احیاناً تدارک مذاکره مستقیم است، قطعاً نیازی به استفاده از واسطه وجود ندارد. اساساً در شأن کشور بزرگی مثل ایران نیست که از طریق این واسطه‌های ذره‌ای با یک قدرت جهانی گفت‌وگو کند.

به‌علاوه از هم‌اکنون عناصر تندرو و حتی برخی میانه‌روها در آمریکا در حال تهیه مقدمات برای مخالفت با یک توافق احتمالی که به تعبیر آنها ممکن است «کم در برابر زیاد» باشد، یعنی امتیازات زیاد برای ایران در برابر امتیازات کم برای آمریکا، سخن می‌گویند. توجه به سیاست داخلی در طرف مقابل یکی از الزامات اجتناب‌ناپذیر هرگونه مذاکرات سیاسی است؛ چراکه تحرکات سیاست داخلی می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر سرنوشت هر مذاکره بین‌المللی داشته باشد. سیاست داخلی در آمریکا در مذاکرات سال ۹۳–۹۴ تحت رصد شدید هیئت ایرانی بود. روشن نیست که این بار آیا عنایتی به این وجه از کار می‌شود یا خیر.

نهایتاً شرایطی که دور هشتم مذاکرات در آن جریان دارد، تفاوت بازی نیز با شرایط شش دور قبلی مذاکرات دارد. در این دور، دو فاکتور، یعنی بحران اوکراین و سیر فزاینده نفت، موجب شده تیم مذاکره‌کننده ایران در موقعیت بسیار بهتری قرار داشته باشد و دیگر اینکه معلوم نیست نیل به تصمیم نهایی و تبادل امتیازات درباره این طیف گسترده از موضوعات سیاسی و نیز سرنوشت زندانیان بدون مذاکره مستقیم بتواند عملی باشد.

در نهایت، به نظر می‌رسد که در این دور، دو فاکتور، یعنی بحران اوکراین و سیر فزاینده نفت، موجب شده تیم مذاکره‌کننده ایران در موقعیت بسیار بهتری قرار داشته باشد و دیگر اینکه معلوم نیست نیل به تصمیم نهایی و تبادل امتیازات درباره این طیف گسترده از موضوعات سیاسی و نیز سرنوشت زندانیان بدون مذاکره مستقیم بتواند عملی باشد.

بازگشت آمریکا به برجام و بازگشت ایران به اجرای کامل تعهدات برجامی تا حد زیادی آشکار است و موضوع گفت‌وگوها نیز همین دو مسئله بوده‌اند. اکنون ایالات متحده باید تصمیم بگیرد تا چه میزان درباره رفع تحریم‌ها قرار است خواسته‌های ایران را بپذیرد و در مقابل چه شکلی از بازگشت ایران به تعهدات خود را قابل قبول می‌داند. در مقابل ایران نیز باید تصمیم بگیرد سطحی که از رفع تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران در مذاکرات وین به این کشور اعلام شده، برایش قابل قبول است یا نه و اینکه به چه شکل حاضر است خواسته‌های دیگر برجامیان درباره برنامه هسته‌ای خود را عملی کند. یک علت وجود ابهام در این زمینه همین است تصمیم‌های پیش‌روی تهران و ایالات متحده تصمیم‌هایی اساسی هستند که هر دو طرف تردیدها و ملاحظات جدی خود را درباره آن مشخص کرده‌اند.

در فاصله ز یاد تهران- واشنگتن، نقطه قابل قبول وجود دارد؟

در نهایت سؤال اساسی در این مرحله همان وجود داشت: آیا در میان خواسته‌ها و ترجیحات متناظر طرف‌های برجام و به‌طور مشخص ایران و آمریکا، نقطه‌ای پیدا خواهد شد که برای هر دو طرف پذیرفتنی باشد؟ در زمان گفت‌وگوهای برجام این نکته هرازگاهی به‌خصوص از تریبون‌های دبیرت مطرح می‌شد که اشتراک مجموعه سناریوهای مقبول برای دو طرف، تهی است اما در نهایت نقطه‌ای یافت شد که همه آن را بهتر از ناکامی مذاکرات قلمداد کنند و بر سر آن به توافق برسند. اکنون نیز باید دید آیا بین دغدغه‌هایی مثل تضمین و راستی‌آزمایی از سوی ایران و سرعت و گستره برنامه هسته‌ای ایران از نگاه ایالات متحده، جایی برای موافقت وجود دارد یا خیر. در این میان البته نکته ش‌ایان توجه، تفاوت فضای گفت‌وگوهای فعلی با گفت‌وگوهای منتهی به برجام است. در آن زمان هم دولت ایالات متحده و هم دولت ایران به شکل درخور توجهی عزم و انگیزه‌ای بسیار بالا برای رسیدن به نقطه توافق نشان داده بودند و شاید همین باعث شده بود که تعامل بین دو کشور بعد از دهه‌ها خودداری از گفت‌وگوی مستقیم، تعامل مثمرنموی باشد. در گفت‌وگوهای فعلی اما از طرفی به نظر می‌رسد چنین جدیتی در دو طرف وجود ندارد و از طرف دیگر، اتفاقات بین ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۳ بدبینی‌هایی جدی بین طرف‌های برجامی ایجاد کرده است. علاوه‌براین، چالش دیگری که همچنان برقرار است این است که برخلاف گفت‌وگوهای منتهی به برجام، در حال حاضر اساساً بین دو طرف اصلی ماجرا گفت‌وگوی برقرار نیست. اخبار همان زمان و روایاتی که بعد از آن منتشر شد، نشان داد پیشرفت گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا در بسیاری نقاط برخلاف میل دیگرانی مثل روسیه یا فرانسه رخ می‌داد، اما حالا مذاکراتی که در فضای منفی‌تر طی می‌شود، به شکلی انجام شده که ارسال و دریافت پیام و نظر بین این دو طرف با واسطه‌گری همین بازیگران دیگر انجام می‌شود و در نتیجه روندی که در آن زمان بین ایران و آمریکا طی و منجر به توافق شد، لاقلاً در شرایط فعلی دور از دسترس است. آیا دولت سیدابراهیم رئیسی در ایران و دولت جو بایدن در ایالات متحده خواهند توانست از مذاکرات غیرمستقیم فعلی دستاوردی حاصل کنند و این پرونده را سرانجام به نتیجه‌ای برسانند؟ تنها چیزی که فعلاً قطعی به نظر می‌رسد این است که تا دریافت پاسخ این سؤال، زمان زیادی باقی نمانده است.

ادامه از صفحه اول

چاره‌جویی برای مواجهه با افزایش سرقت

۲- کارشناسان، جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی و همچنین مسئولان نیروی انتظامی و آگاهی کشور به‌درستی بر اثر متغیرهای کلان اقتصادی و تورم بی‌کاری بر افزایش شمار سرقت تأکید کرده‌اند. کم‌اینکه برای اولین بار در سال‌های گذشته شمار سارقان باراولی از سارقان سابقه‌دار پیشی گرفته است؛ یعنی بیش از ۵۰ درصد از سارقان شش‌ماهه امسال، بار نخست بود که به سرقت دست می‌زدند. در این‌باره برخی کارشناسان بر اثر افزایش بی‌کاری بر افزایش سرقت تأکید کرده‌اند و اثرات کرونا و تحریم‌ها و دیگر متغیرها بر افزایش بی‌کاری را در نهایت به افزایش سرقت ارتباطی می‌دهند. درهم‌تندگی پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در این وضعیت مشهود است. ۳- بنا بر آمارها و برآوردهای کارشناسان میزان رانده‌شدگان به زیر خط فقر به شکل شتابانی در کشور در حال افزایش است. یکی از شاخص‌هایی که هزینه‌های سنگینی بر خانوارها تحمیل می‌کند، وضعیت قیمت خرید و اجاره مسکن است. افزایش قیمت مسکن و اجاره مسکن موجب به حاشیه رانده‌شدن بخش بیشتری از شهروندان به حومه‌های شهرها و به‌ویژه مسکن غیررسمی و حاشیه‌های شهرها می‌شود. تراکم بالای جمعیت در این مناطق و دسترسی محدود به خدمات آموزشی، فرهنگی، رفاهی، ورزشی، شهری و خدمات فاضلاب، آب، برق و دیگر نیازمندی‌های شهری موجب افزایش ریسک زندگی در این مناطق می‌شود. به‌عنوان نمونه در بخشی از شهر اهواز تنها یک خط اتوبوس برای رفت‌وآمد شهروندان از این منطقه به مرکز شهر وجود دارد و کسانی که وارد ایستگاه اتوبوس می‌شوند چنانچه اتوبوس از ایستگاه گذشته باشد باید منتظر باشند ۴۵ دقیقه تا یک ساعت بعد، اتوبوس در مرکز شهر مسافران خود را تخلیه کند و دوباره عازم این منطقه شود. فقر در حاشیه‌ها و حوزه‌های شهری به صورت عریان‌تری پیامدهای خود را نمایش می‌دهد. در نتیجه سرقت و اعتیاد و دیگر آسیب‌ها مجال بیشتری برای بروز می‌یابند. بررسی آمارهای در دسترس نشان می‌دهد در سال‌های اخیر در ایران، میزان سرقت سیر صعودی داشته؛ به‌طوری‌که بعد از مصرف مواد مخدر، سرقت دومین جرم عمده در کشور محسوب می‌شود. رابطه فقر و سرقت بیش از پیش باید ایرانیان به‌ویژه مسئولان امر را نسبت به گسترش فقر در کشور نگران کند. ۴- افزایش ابعاد آسیب‌های اجتماعی و جرائم مختلف به‌ویژه سرقت ناشناگر اثر مستقیم، جدی و محسوس متغیرهای اقتصادی و سیاسی است؛ یعنی به میزانی که تورم و گرانی افزایش می‌یابد و به میزانی که بی‌کاری ناشی از کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور بروز می‌کند و در نتیجه از شمار مؤسسات اقتصادی، تولیدی و خدماتی کاسته می‌شود، شمار بی‌کاران و در نتیجه سرقت نیز افزایش می‌یابد. این شاخص به مسئولان کشوری متذکر می‌شود که در نتیجه سیاست‌های اعمالی دولت‌ها، تنها راه و راهش خانوارها نیست که تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه بر ابعاد ناامنی اجتماعی و بروز هنجارشکنی‌ها و جرائمی مانند سرقت نیز افزوده می‌شود و به این ترتیب این پدیده خود بر سطح رضایتی و ناامنی روانی شهروندان می‌افزاید. برای سرقت باید تدابیر تازه‌ای اندیشید. چاره‌کار تنها در دست نیروی انتظامی نیست، بلکه چاره را باید در ساختار اقتصادی و سیاسی جست.

«منطق» میز روسی

... یعنی شمار دی‌کی کسب امتیازی کم‌وبیش یک‌جانبه هستی و طرف مقابل هم خوب این می‌فهمد؛ بنابراین نباید تصور کنید که با طرف مقابل «بیس‌رخاله»‌اید و دودستی آنچه را که بخواهید به شما می‌دهد. در «سفر کاری» او دیگر میزبان نیست، یک غریبه است که دست بر کلاه خود گذاشته که شما آن را نرانید. به هر حال از این پس و به موازات حل برجام باید منتظر برافتان پرده‌های حجب و حیا بین ایران و روسیه باشید. رقابت‌ها آشکارتر می‌شود که باکی نیست، چون دودستی و «نادوستی» روسیه به همان سرمای سبیری است، خیلی تفاوتی ندارد. فقط نباید نادوستی را به دشمنی تبدیل کرد. باید منافع استراتژیک را با روسیه تحکیم بخشد و زمین بازی مشترک‌المنافع را گسترش داد. زمین بازی یک‌جانبه پایدار نیست و برای ما سودی ندارد. در نگاهی درازمدت برای روسیه هم سودی ندارد؛ اما یک‌جانبه‌گرایی تاریخی روسیه در سیاست خارجی با منطقه اوراسیا درک این معنا را برای «رقعی امنیتي روس» سخت می‌کند، آنها در «رویتين» تاریخی خویش درگیر یک‌جانبه‌گرایی با ایران هستند و زمین‌گیر همین پیشینه‌اند. حل مشکل برجام به آن معنا نیست که حالا دیگر جای پسرخال‌ها عوض می‌شود و با اروپا و آمریکا رفیق گریابه و گلستان می‌شویم. اساساً چنین ظرفیتی، در آن سو و این سو، وجود ندارد. زندگی بین‌المللی سخت است. غرب هم روی خوشی به ما نشان نخواهد داد، چرا نشان بدهد؟ قسه همان زمین بازی مشترک‌المنافع و اتکا به ابتکارات دیپلماتیک خودی بر بستری از اقتصاد بین‌الملل است. در پایان به دو نکته حاشیه‌ای اشاره می‌کنم؛ اول، سیاست خارجی، بستنی و بلندی زیادی دارد و مدیران دیپلماسی باید بتوانند مواضع متفاوت و گاه متناقض و شگفت‌آوری بگیرند. سیاست خارجی را به دلخوشی‌های عوام و سخنرانان بی‌مسئولیت آنان نسپارید؛ آنان موج ناآگاهی و خشونت می‌آفرینند و سرنوشت کشور را قریه الی الله به سوی تباهی به پیش می‌برند. دوم، وظیفه کشنگران سیاسی و رسانه‌ای در چنین شرایطی این است که با بگذاریم دولت جدید به‌طور طبیعی راه خود را بیابد. اگر قرار است مستقیم مذاکره کنند، از زخم زبان و فضاسازی رسانه‌ای منفی حذر کنیم و «شوخی مرد به بازویش نیابوریم»، روزگرد جدید را که در راستای منافع ملی است تقویت کنیم.